



این مقاله به سفارش موسسه دموکراسی و توسعه افغانستان و آزادی: انستیتوت جامعه مدنی تهیه گردیده است

پیامدهای فرار مغزها از افغانستان بعد از ۲۰۲۰

نگارنده: علی کیهانی

مقدمه و چکیده:

امروزه پدیده فرار مغزها یکی از مسائل مهم کشور های در حال توسعه، خصوصاً کشورهای جنگ زده است. تاریخ توسعه کشورهای توسعه یافته نشان می دهد، سرمایه انسانی نقش مهمی در فرایند پیشرفت های آنها بر عهده داشته و یقیناً جامعه صنعتی، توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و پیشرفت های تکنولوژیکی خود را مرهون وجود سرمایه انسانی می داند. جوامع در حال توسعه نیز جهت گذار از عقب ماندگی و رسیدن به مراحل از توسعه، ناگزیر اند در ایجاد سرمایه انسانی و توسعه دانش فنی به منظور مشابه سازی توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تکنولوژی و تطبیق و ارتقای تمامی سطوح آن هزینه های را باید در این راستا متقبل شوند^۱. بنابر این فرار مغزها می تواند بطور هم زمان و در هم تنیده پیامدهای سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی داشته باشد^۲. براساس گزارش کمیسیون عالی مهاجرت سازمان ملل متحد (UNHCR) مردم افغانستان یکی از بزرگترین نفوس مهاجرین در دنیا را تشکیل میدهد که حدود ۵.۲ میلیون نفر مهاجر دارد^۳. تنها در سال ۲۰۲۱ حدود ۶۶۹۴۹ هزار نفر از افغانستان مهاجرت کرده است. با سقوط حکومت در سال ۲۰۲۱ یک بخشی زیادی از نیروهای متخصص و فعال از افغانستان به بیرون مهاجرت کرده اند.

یکی از پیامدهای عمده فرار مغزها از افغانستان، کمبود نیروهای متخصص در سطوح مختلف حکومت، سکتور خصوصی و در آموزش و پرورش است. ظرفیت های انسانی که در بیست سال گذشته در افغانستان ایجاد شده بود با وخیم شدن اوضاع کشور در سال های پسین بخصوص بعد از سقوط حکومت در سال ۲۰۲۱ یکباره از دست رفت و ممکن کشور تا دهه ها نتواند این نیروهای را دوباره بوجود بیاورد. افغانستان با اینکه از جمله کشورهای در حال

^۱ فرار مغزها از افغانستان، میرحسین ضیایی

^۲ [The phenomenon of brain drain and its consequences for Taliban government](#), Aryan Purghadiri from the Institute for East Strategic Studies

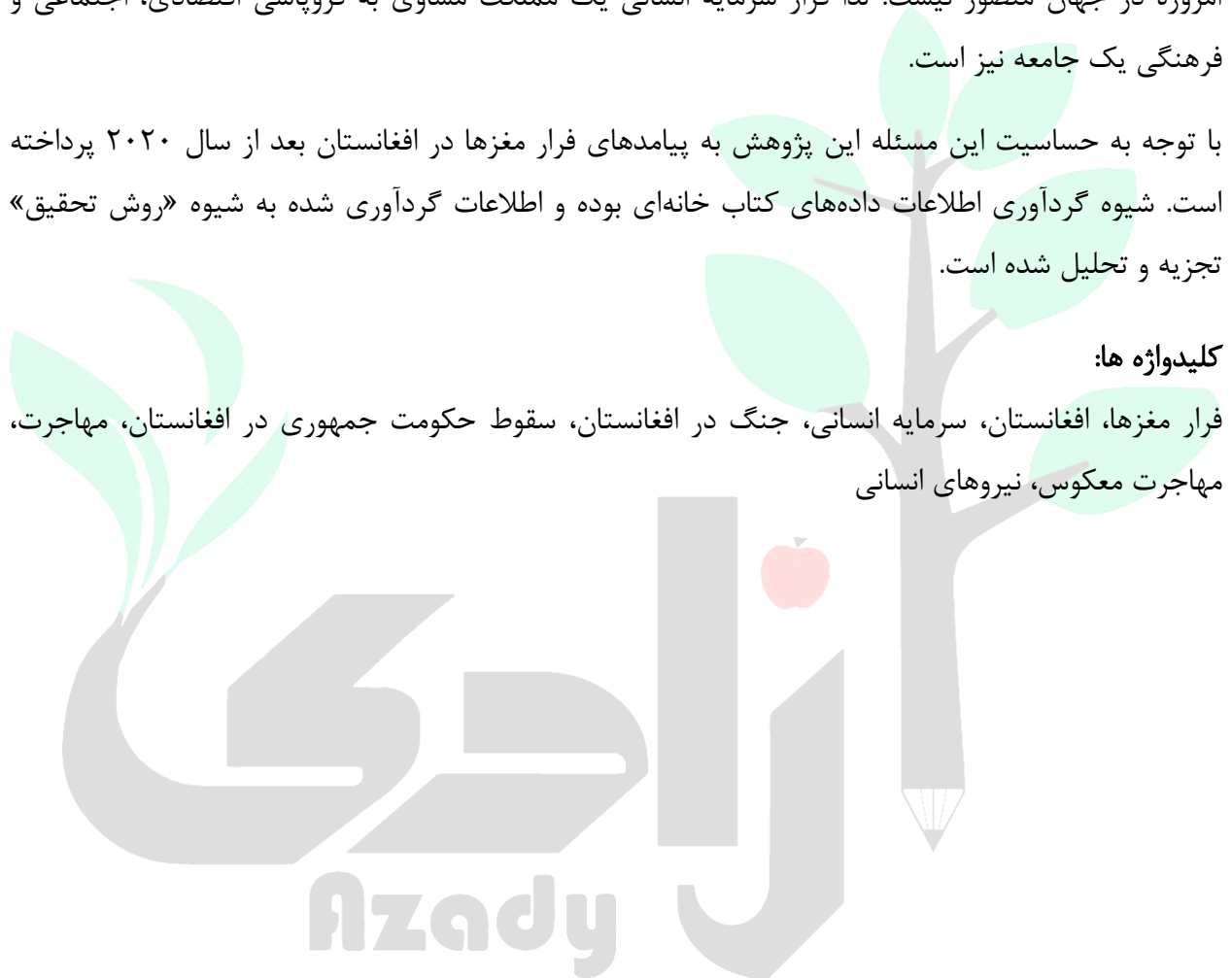
^۳ Afghanistan Situation Emergency Update as of 01 May 2023, UNHCR Report

منازعه است ولی از جهتی هم با توجه به پشت سر گذاشتن جنگ‌های داخلی از جمله کشورهای پسامنازعه نیز محسوب می‌شود. کشورهای پسامنازعه راه طولی را بایستی بسوی توسعه ببینند. یکی از کوتاه‌ترین و موثرترین راه‌ها سرمایه‌گذاری روی نیروهای انسانی است. اقتصاد منابع محور یا به عبارتی ماده محور (Material Based) قدیم امروزه جایش را به اقتصاد دانش محور (Knowledge Based) داده است. نیروهای انسانی و متخصص در مرکز اقتصاد دانش محور امروزه قرار دارد. در فقدان سرمایه انسانی فعال، هیچ پیشرفت اقتصادی امروزه در جهان متصور نیست. لذا فرار سرمایه انسانی یک مملکت مساوی به فروپاشی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یک جامعه نیز است.

با توجه به حساسیت این مسئله این پژوهش به پیامدهای فرار مغزها در افغانستان بعد از سال ۲۰۲۰ پرداخته است. شیوه گردآوری اطلاعات داده‌های کتابخانه‌ای بوده و اطلاعات گردآوری شده به شیوه «روش تحقیق» تجزیه و تحلیل شده است.

کلیدواژه‌ها:

فرار مغزها، افغانستان، سرمایه انسانی، جنگ در افغانستان، سقوط حکومت جمهوری در افغانستان، مهاجرت، مهاجرت معکوس، نیروهای انسانی



Introduction and Abstract:

Today, the issue of brain drain is a significant concern for developing countries, particularly those affected by war. The development history of advanced nations clearly demonstrates the pivotal role played by human capital in their progress. Undoubtedly, the economic, social, cultural, and technological advancements of industrial societies owe much to the presence of human capital. To overcome underdevelopment and achieve stages of progress, developing societies must prioritize the creation of human capital and the development of technical knowledge. This is crucial in attaining social, economic, political, cultural, and technological development, and improving all aspects of society. Therefore, brain drain has simultaneous and intertwined political, social, and economic consequences.

According to a report by the United Nations High Commissioner for Refugees (UNHCR), Afghanistan is home to one of the largest immigrant populations in the world, with approximately 5.2 million immigrants. In 2021 alone, about 66,949 individuals migrated from Afghanistan. With the collapse of the government in 2021, a significant number of skilled and active individuals have left the country.

One of the major consequences of brain drain from Afghanistan is the scarcity of specialized personnel across various levels of government, the private sector, and the education system. The human resources that were cultivated in Afghanistan over the past two decades were abruptly lost as the country's situation deteriorated in recent years, especially after the government's collapse in 2021. Rebuilding these forces may take decades, thereby hindering the country's progress. Despite Afghanistan's status as a conflict-ridden nation, it is also considered a post-conflict country due to the cessation of civil wars.

Given the gravity of this issue, this research focuses on the consequences of brain drain in Afghanistan after 2020. The data collection method employed is primarily based on library research, and the gathered data has been analyzed using the "research method."

فهرست

- ۵.....سوال‌های اصلی پژوهش:.....
- ۵.....مبانی نظری و پیشینه تحقیق:.....
- ۷.....فرار مغزها و توسعه اقتصادی:.....
- ۹.....فرار مغزها در افغانستان:.....
- ۹.....دوره اول: فرار مغزها در دوران کمونیست‌ها و تجاوز شوروی به افغانستان ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸:.....
- ۹.....دوره دوم: فرار مغزها در دوران حکومت مجاهدین - آغاز جنگ‌های داخلی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵:.....
- ۱۰.....دوره سوم: فرار مغزها در دوران طالبان ۱۹۹۶ - ۲۰۰۱:.....
- ۱۰.....دوره چهارم: فرار مغزها در دوران جمهوریت ۲۰۰۱ - ۲۰۲۱:.....
- ۱۳.....دوره پنجم: فرار مغزها در دوران طالبان ۲۰۲۱ - تا حال:.....
- ۱۳.....وضعیت فعلی و چشم انداز مهاجرت معکوس - جمع بندی و نتیجه گیری:.....



سوال‌های اصلی پژوهش:

پیامدهای فرار مغزها در افغانستان بعد از سال ۲۰۲۰ چیست؟

چه عواملی باعث فرار مغزها در افغانستان گردیده است؟

ظرفیت‌های فکری (نیروهای انسانی) افغانستان شامل چه طیفی از گروه‌های اجتماعی می‌شود و چطور حکومت می‌تواند زمینه مهاجرت معکوس را بوجود آورده و ظرفیت‌های انسانی از دست رفته را دوباره بوجود بیاورد؟

مبانی نظری و پیشینه تحقیق:

افزایش ضریب ماندگاری نیروی انسانی دارای تخصص و مهارت در کشور، منوط به شناسایی علل فرار آنها و برطرف نمودن این علل است^۴. دیدگاه جهان‌گرا نگاه مثبتی نسبت به فرار مغزها دارد و معتقد است جابجای سرمایه‌های انسانی نیازهای جوامع نیازمند را برآورده ساخته و باعث رشد و پیشرفت جوامع شود. در مقابل نگاه ملی‌گرا نگاه منفی نسبت به فرار مغزها دارد. نگاه ملی‌گرا فرار مغزها را به ضرر کشورهای مهاجر گریز دانسته و معتقد است فرار مغزها باعث پسرفت اقتصادی و توسعه کشورهای کم‌تر توسعه یافته می‌شود.

طبق پژوهش دکتر محمد حسین کریم کشته، دکتر ابوالفضل شاه‌آبادی درباره فرار مغزها، پژوهش‌های قبلی شامل ابعاد اجتماع، اقتصادی و سیاسی فرار مغزها می‌شود. پژوهش‌های قبلی هر یک از ابعاد اجتماعی، سیاسی و اقتصادی فرار مغزها را مورد بررسی قرار داده است. بعضی این تحقیقات انجام شده شامل موارد ذیل می‌شود:

^۴ بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران) دکتر محمد حسین کریم کشته، دکتر ابوالفضل شاه‌آبادی، ۱۳۸۵

جدول ۱- برخی از مطالعات انجام شده درخصوص فرار مغزها

ردیف	نویسنده	کشورهای مورد مطالعه	حوزه بررسی	نتایج
۱	میشل بین (۲۰۰۲)	کشورهای درحال توسعه	اقتصادی	خروج متخصصان دو اثر «فرار» و «مغز» بر کشورهای مهاجر فرست دارد که برآیند دواثر تعیین کننده سود و زیان ناشی از آن می‌باشد.
۲	ریچارد آدامز (۲۰۰۳)	کشورهای صادر کننده مهاجر	اجتماعی	علت فرار مغزها همجواری جغرافیایی کشورهای مبدأ و مقصد و اندازه جمعیت خصوصاً جمعیت آموزش دیده می‌باشد.
۳	استفان کاستلز (۲۰۰۲)	کشورهای مهاجر فرست	اجتماعی	بعلت محدوددیت‌های کیفی آمریکا اکثر مهاجرتها به سوی اروپای پیشرفته است و عوامل اقتصادی، جنگ و سرکوب نژادی و نرخ با سواد از عوامل مهاجرت هستند.
۴	آدد استارک (۲۰۰۲)	کشورهای مهاجر فرست	اقتصادی	درحالی‌که کشورهای فقیر با کمبود سرمایه انسانی مواجهند کشورهای پیشرفته از فرار مغزها سود می‌برند.
۵	هنریک اولسن (۲۰۰۲)	کشورهای مهاجر فرست	اقتصادی	فرار مغزها پدیده‌ای اقتصادی است و بلحاظ چرخش مغزها وجود وجه ارسالی برای جهان سوم مفید است.
۶	گیلدز سایمون (۲۰۰۲)	در کل جهان	کلی	علت فرار مغزها تضادهای سیاسی و محیطی است.
۷	ابوالقاسم طلوع (۱۳۷۸)	ایران	علوم اجتماعی	علل فرار مغزها به کلیه ابعاد اجتماعی برمی‌گردد.

Figure ۱ منبع: بررسی عوامل موثر بر فرار مغزها، مطالعه موردی ایران، دکتر محمد حسین کریم کشته، دکتر ابوالفضل شاه‌آبادی

علاوه بر آن براساس نظریه جذب و دفع اورت -س -لی^۵، او مهاجرت را تحت تاثیر چهار عامل عمده تبیین می‌کند؟

الف) عوامل موجود در مبداء (برانگیزنده و بازدارنده)؛

ب) عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و بازدارنده)؛

ج) موانع موجود در جریان مهاجرت از مبداء به مقصد؛

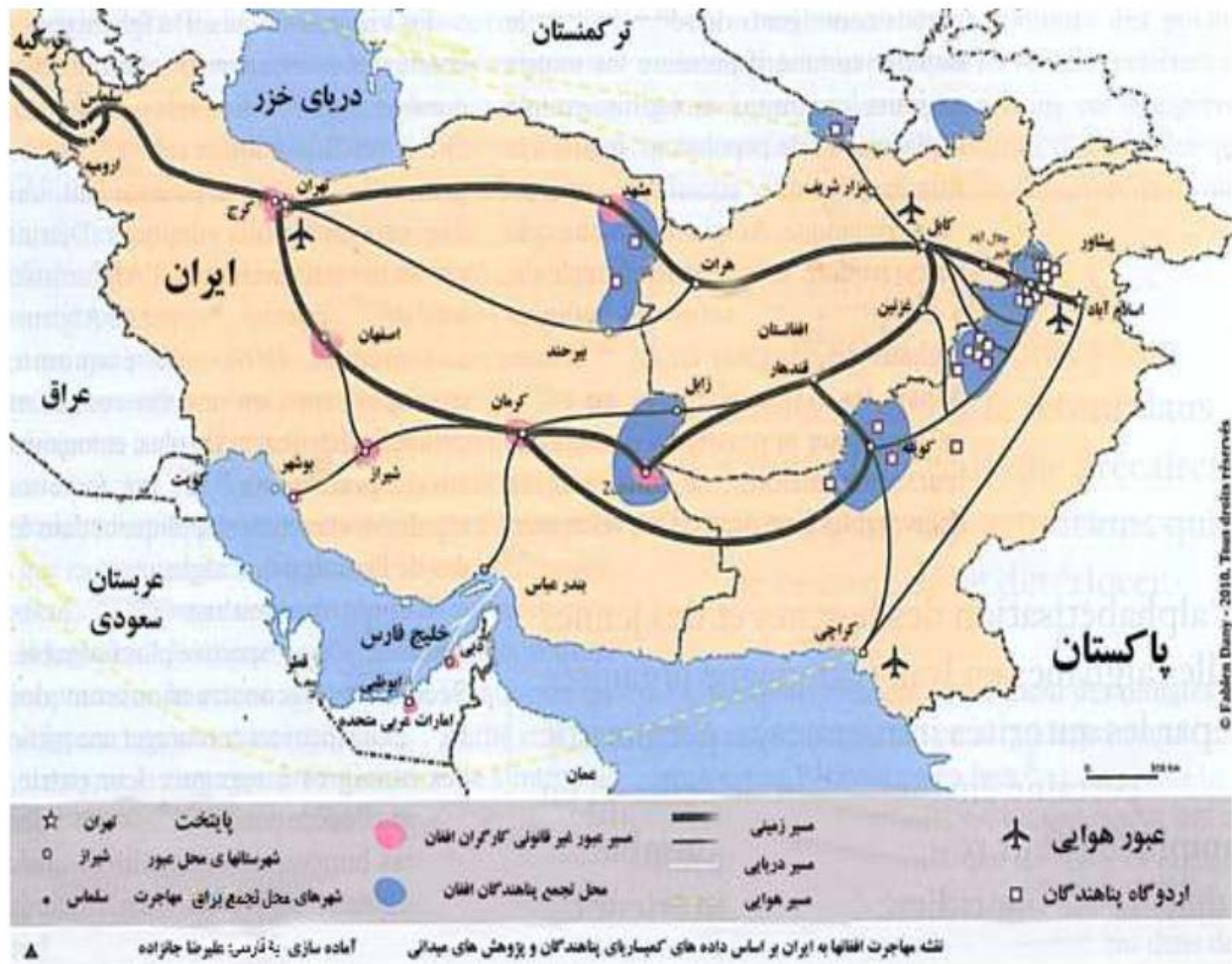
د) عوامل شخصی

ظاهراً فرار مغزها در افغانستان بیشتر به سه عامل اول بر میگردد که شامل عوامل موجود در مبدأ میگردد. چون کشورهای همسایه به دلیل قابل دسترس بودن و سهولت اولین مقصد مهاجرت و فرار مغزها بوده است می‌توان

⁵ Everette S. Lee-

⁶ عوامل اثر گذار بر مهاجرت افغان‌ها به ایران، جانزاده علی‌رضا، ۱۳۹۶

نتیجه گیری کرد که بی ثباتی و تغییر نظامی سیاسی به عنوان عامل موجود در مبداء نقش موثری در فرار مغزها در افغانستان داشته است.



فرار مغزها و توسعه اقتصادی:

کشورهای در حال توسعه از دیر باز با پدیده‌ی فرار مغزها⁷ مواجه بوده‌اند. در واقع فرار مغزها معرف جریان سرمایه‌ی انسانی است که در آن انتقال مهارت‌ها صورت می‌گیرد. کلمه‌ی Brain مربوط به مهارت یا تبحر فرد است که نوعی ثروت بالقوه محسوب میشود و کلمه‌ی Drain معرف نرخ خروج یا فرار بیش از حد نرمال (طبیعی) نیروی انسانی است. ترکیب این دو کلمه به معنی انتقال بخشی از افراد مستعد در یک نرخ قابل ملاحظه، به خارج از کشور و به ویژه کشورهای پیشرفته و توسعه یافته است. مطالعات در این زمینه از سال ۱۹۵۰ در حوزه‌های مهاجرت بین المللی نیروی کار، سرمایه‌ی انسانی و تجارت بین الملل آغاز شد (گروبل و اسکات ۱۹۶۶). این

⁷ Brain Drain

اصطلاح نخستین بار توسط انجمن رویال بریتانیا در اواخر دهه‌ی ۱۹۵۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ برای توصیف جریان خروج فناوران و دانشمندان به کشورهایی مثل کانادا و ایالات متحده استفاده شد. پس از آن، شناخت مهمترین عوامل تعیین کننده‌ی جریان فرار مغزها اهمیت یافت.^۸ پس فرار مغزها یا مهاجرت مغزها به فرایندی گفته می شود که در آن متخصصان و نخبگان یک کشور به خاطر مشکلات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی، کمبود امکانات پژوهشی، رفاهی و ناتوانی جامعه در استفاده از تخصص و توان اطلاعاتی آنها، برای کسب تجربه، پیشرفت های علمی، حقوق های بالا، منزلت، رفاه اجتماعی و آزادی فکری بیشتر و دسترسی به منابع علمی جدیدتر به سوی جوامعی مهاجرت می کنند که از نظر آنها از شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، علمی و فرهنگی بهتری برخوردار باشند و بتوانند تخصص و توان علمی خود را در جامعه برای پیشرفت به کار گیرند.^۹

بحثهای زیادی مطرح است که چرا مغزها و نخبگان جنوب، کشورهای خود را رها کرده و به سوی کشورهای پیشرفته مهاجرت می کنند؟ این موضوع محققان زیادی را به فعالیت پژوهشی و یافتن علل قضیه مشغول کرده است. بعضی از محققان علل آن را آمیخته‌های از عوامل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی و... می دانند و برخی نیز دلایل اقتصادی را مهمترین دلایل فرار مغزها ذکر کرده اند و حتی از این پدیده بعنوان مهاجرت اقتصادی یاد میکنند. مروری بر تحقیقات انجام شده این ایده را القا می کند که دلایل اقتصادی از علل تامه فرار مغزها نبوده، اما از علل اصلی آن محسوب می گردد.^{۱۰}

سرمایه انسانی عامل مؤثری در رشد و توسعه اقتصادی، پرکردن شکاف عمیق تکنولوژیکی، کاهش نقش مزیت نسبی طبیعی و افزایش نقش مزیت نسبی اکتسابی کشورهای در حال توسعه، محسوب می شود. به همین منظور سهم قابل توجهی از منابع آنها صرف آموزش نیروی انسانی می شود. اما زمانی که باید سرمایه انسانی مورد بهره برداری قرار گیرد، به شکل فرار مغزها خارج شده و زیان جبران ناپذیری متوجه کشورهای در حال توسعه می کند. بنابراین شناسایی علل فرار مغزها می تواند در جلوگیری از خروج متخصصان و افزایش ضریب ماندگاری آنها مؤثر باشد.^{۱۱}

^۸ بررسی علل فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه به کشورهای OECD در قالب مدل جاذبه، حشمت اله عسگری، دکتر مهدی تقوی، دکتر منوچهر عسگری و دکتر عباس شاکری، ۱۳۸۷

^۹ فرار مغزها از افغانستان، میرحسین ضیایی، ۱۳۹۶

^{۱۰} بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران) دکتر محمد حسین کریم گشته، دکتر ابوالفضل شاهآبادی، ۱۳۸۵

^{۱۱} همان

فرار مغزها در افغانستان:

افغانستان در بیش از چهل سال گذشته درگیر جنگ و خشونت بوده است. بطور مشخص افغانستان بعد از سقوط نظام شاهی ظاهرشاه و کودتای داود خان در سال ۱۳۵۲ درگیر بی ثباتی سیاسی شد. ترور داود خان توسط عوامل حزب دموکراتیک خلق در سال ۱۹۷۸ (۱۳۵۷) افغانستان را وارد بحران جدیدی کرد که شاهد سرکوبها و قتل عام های خونین توسط حزب چپ بوده است. هریک از این بحرانها بی تاثیر بر فرار مغزها از افغانستان نبوده است. بطور کلی می توان فرار مغزها در افغانستان در چند دوره تاریخی تقسیم کرد: ۱. دوران کمونیستها ۲. مجاهدین ۳. دوران طالبان (دوره اول و دوم) ۴. دوران جمهوریت

دوره اول: فرار مغزها در دوران کمونیستها و تجاوز شوروی به افغانستان ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸:

تحقیقات نشان می دهد اولین موج مهاجرت افغانها در کشورهای همسایه از جمله ایران و پاکستان صورت گرفته است. دقیقا بعد از ترور داود خان توسط حزب دموکراتیک خلق یک موجی از افغانها در ایران و پاکستان مهاجرت کردند که شامل نخبگان علمی کشور نیز می شود. عمده حضور جمعیت افغانها در ایران در سالهای ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ صورت گرفته است (طرح آمایش ۱۳۸۴)^{۱۲}. با روی کار آمدن حزب چپ، افغانستان وارد بحران جدیدی شد که جنگهای داخلی، و قدرت گرفتن طالبان را به دنبال داشت. حزب چپ با سرکوب مخالفین سیاسی اش توسط اصلاحات سوسیالیستی و سیکولاریستی از جمله تعارضات درون حزبی کشور را به بحران برد. از جمله این اتفاقات مهم، اشغال افغانستان توسط روسها بود. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و به قدرت رسیدن مجاهدین بحران دیگری در کشور آغاز گردید که تاکنون نیز ادامه دارد.

دوره دوم: فرار مغزها در دوران حکومت مجاهدین - آغاز جنگهای داخلی از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۵:

گروه مجاهدین بعد از شکست حکومت چپ در افغانستان در سال ۱۹۹۲ به قدرت رسیدند. بعد از پیروزی به دلیل به توافق نرسیدن بر سر تقسیم قدرت جنگهای داخلی میان آنها آغاز گردید. طالبان در سال ۱۹۹۶ قدرت را به دست گرفت و تا سال ۲۰۰۱ ادامه داشت. در جریان جنگهای داخلی هزاران انسان کشته و زخمی و باعث مهاجرت جمعی افغانستانیها به بیرون از جمله کشورهای همسایه گردید. بعد از خروج شوروی از افغانستان در سال ۱۳۶۸ بسیاری از افغانها به افغانستان بازگشتند اما این بازگشت، با شروع خشونت و ناآرامیهای داخلی، درگیری مجاهدین

^{۱۲} عوامل اثر گذار بر مهاجرت افغانها به ایران، جانزاده علیرضا، ۱۳۹۶

افغانستانی بادولت مرکزی، متوقف گردید. جنگهای داخلی موج جدیدی از مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران را موجب شد که در این موج جدید مهاجران عمدتاً از شهرها و متعلق به طبقات اجتماعی متوسط و تحصیل کرده بودند^{۱۳}.

دوره سوم: فرار مغزها در دوران طالبان ۱۹۹۶-۲۰۰۱:

طالبان بعنوان یک جنبش خودجوش نظامی اسلامی در اوایل ۱۹۹۴ در قندهار به رهبری ملا محمد عمر ظهور کرد. اندکی بعد این گروه کنترل تقریباً کل افغانستان را در دست گرفت. علت اولیه به قدرت رسیدن طالبان خستگی مفرط مردم از جنگهای داخلی و گروههای مجاهدین بود. اما اندکی بعد گروه طالبان با وضع قوانین سخت گیرانه و سرکوب مخالفین خود تبدیل به نقطه بحران در کشور گردید. در جریان حکومت طالبان مکاتب دخترانه بند گردید و براساس نظریه امارت حکومت شان را بنا نهادند. فقر و بیکاری گسترده باعث مهاجرت گروهی مردم افغانستان به کشورهای همسایه و بیرون گردید. با سقوط نظام جمهوری و به قدرت رسیدن دوباره طالبان در آگست ۲۰۲۱ عین سناریو تکرار شد. میدان هوایی کابل در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ تبدیل به صحنه سینمایی گردید که هزاران فرد برای نجات جان شان می‌خواستند توسط پروازهای تخلیه‌ی کشورهای خارجی از افغانستان فرار کنند.

دوره چهارم: فرار مغزها در دوران جمهوریت ۲۰۰۱-۲۰۲۱:

وضعیت افغانستان در سالهای پسین بطور فزاینده ای رو به وخامت رفته است. طبق آمار ثبت شده سازمان بین المللی مهاجرت سازمان ملل متحد (UNHCR) افغانستان در سال ۲۰۱۴ بیشترین رقم ثبت شده مهاجرت را در خود ثبت کرده است. دلهره خروج نیروهای خارجی در سال ۲۰۱۴ باعث گردید تا مردم و سرمایه‌های انسانی به فکر مهاجرت از کشور باشند. جنگ، نا امنی و بیکاری عوامل دیگری بودند تا مردم بطور گروهی از کشور مهاجرت کنند. سقوط حکومت در سال ۲۰۲۱ موج جدیدی از مهاجرت را در کشور رقم زد. براساس گزارش UNHCR تا اواخر سال ۲۰۲۲ حدود ۵.۲ میلیون افغانستانی در جستجوی پناهندگی در کشورهای همسایه بوده اند^{۱۴}.

^{۱۳} علل و ویژگی های مهاجرت اتباع افغانستان به ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی، محمدی پداه، خدوردی حسن، کنش‌پایان گارینه، مطلبی مسعود، ۱۳۹۸

^{۱۴} [Afghanistan Situation Update - 1 May 2023, UNHCR Data Portal](#)

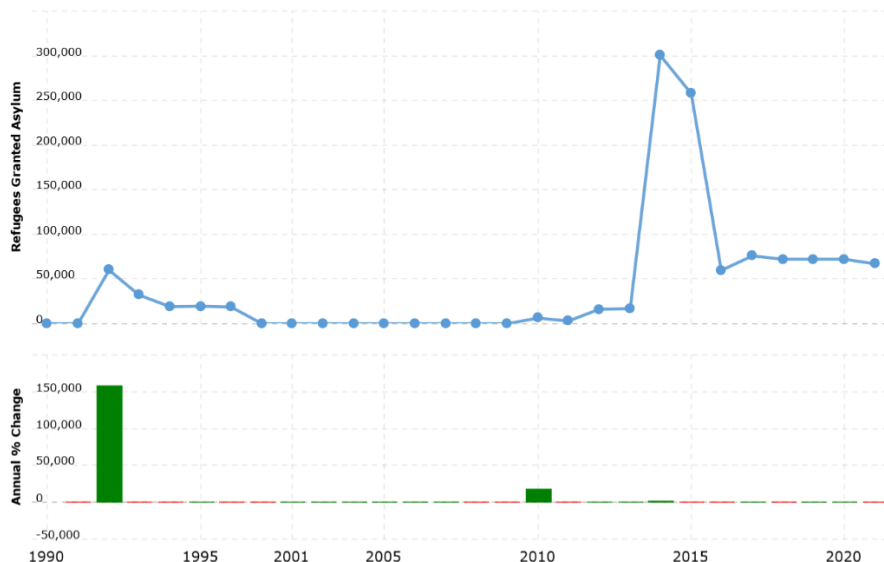


Figure 1: UNHCR Report

در این جای شکی نیست که یک بخشی زیادی از کادرهای افغانستان شامل این ارقام می‌شوند. به نظر می‌رسید فرار مغزها در افغانستان با چند عامل زیر رابطه مستقیم دارند:

مسئله امنیت: طالبان از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ قدرت در افغانستان را در دست داشتند. بعد از حملات ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده آمریکا و متحدین غربی اش نظام طالبان را سقوط دادند. با روی کار آمدن حکومت جدید در افغانستان انتظار می‌رفت ثبات سیاسی و اجتماعی در کشور بازگشته و بر خشونت‌های چندین دهه گذشته نقطه پایان گذاشته شود. اما نیروهای طالبان با عقب نشینی در ولایات شرقی و مناطق مرزی پاکستان موج جدیدی از حملات شان را علیه نیروهای ائتلاف و حکومت مرکزی آغاز کردند^{۱۵}. وضعیت در سال‌های پسین رو به وخامت رفته و طالبان در ماه می ۲۰۱۸ برای اولین بار کنترل مرکز ولایت فراه را و در آگست همان سال مرکز ولایت غزنی را بدست گرفتند^{۱۶}. طبق آمار ثبت شده توسط سازمان ملل متحد تنها در سال ۲۰۱۸ حدود ۱۰۹۹۳ هزار مردم ملکی کشته شده اند که این آمار حدود ده برابر آمار ثبت شده سال‌های قبل است. آمار تلفات و زخمی‌های ثبت شده در افغانستان بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۲۰ توسط ملل متحد به حدود بیشتر از صد هزار نفر می‌رسد. در فبروری سال ۲۰۲۰ آمریکا و طالبان بعد از حدود یک سال مذاکره مستقیم توافق‌نامه موسوم به دوحه را امضا کردند که در آن روی تقسیم اوقات خروج نیروهای خارجی از افغانستان توافق شده و دولت آمریکا متعهد به رها سازی حدود هفت هزار زندانی طالبان را از زندان‌های افغانستان شده بود. با سقوط حکومت در آگست سال ۲۰۲۱

¹⁵ [Instability in Afghanistan, Global Conflict Tracker](#)

¹⁶ [Global Conflict Tracker](#)

افغانستان دچار بحران جدید حقوق بشری و انسانی شده است. با وخامت اوضاع امنیتی و سیاسی در کشور در سال‌های اخیر فرار سرمایه‌های اجتماعی از کشور نیز بطور فزاینده‌ای رو به افزایش بوده است. امنیت به عنوان یک مولفه‌ی اساسی زندگی در یک کشور قلمداد شده و در فقدان امنیت هیچ انسانی مایل به زندگی در یک جغرافیا نخواهد بود. براساس همین مسئله می‌توان نتیجه‌گیری کرد که امنیت رابطه مستقیمی با فرار مغزها در کشور داشته و یکی از علت‌های اصلی مهاجرت نخبگان فکری از کشور نبود امنیت در افغانستان است.

بسیاری از فعالان اجتماعی، کادرهای علمی، و چهره‌های سرشناس افغانستان بعد از روی کارآمدن طالبان به علت تحدیدات امنیتی و وضعیت بد زندگی از افغانستان به کشورهای همسایه و یا کشورهای اروپایی و امریکا مهاجر شده‌اند.

وضعیت اقتصادی: طبق گزارش ۲۴ می ۲۰۲۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، حدود بیشتر از دو سوم جمعیت افغانستان (۲۸ میلیون) نفر نیاز به کمک‌های فوری برای زنده ماندن در افغانستان دارند^{۱۷}. درآمد سرانه افغانستان ۳۶۸ دالر در سال است. در مقایسه با کشورهای همسایه پاکستان (۱۵۰۵ دالر) و ایران (۴۰۹۱ دالر) در آمد سرانه افغانستان در کمترین حد ممکن قرار دارد. حتی در مقایسه، کشور سودان با درآمد سرانه ۷۵۱ دالر حدود دو برابر درآمد سرانه افغانستان است. بیکاری و فقر گسترده در کنار نبود زیرساخت‌های اقتصادی وضعیت زندگی مردم را به شدت تحت تاثیر قرار داده و بخشی از نخبگان فکری افغانستان به دلیل نبود فرصت‌های اقتصادی از افغانستان به کشورهای همسایه و بیرونی مهاجرت کرده‌اند.

نبود سرمایه اجتماعی: در کنار سرمایه مالی، سرمایه فیزیکی، و سرمایه انسانی؛ سرمایه اجتماعی نیز یکی از مؤلفه‌های اساسی زندگی مدرن را تشکیل می‌دهد. سرمایه اجتماعی در برگیرنده پایه و اساس نظم اجتماعی است و محملی است تا به تشریح چگونگی امکان همکاری بین افراد بپردازد^{۱۸}. وضعیت آنومیک افغانستان در سال‌های پسین باعث گردیده تا تعاون و نظم اجتماعی در کشور دچار اختلال شود. در فقدان نظم اجتماعی، زمینه برای تعاون و همکاری، رشد و تعالی در کشور از بین رفته و تعلق سرزمینی برای افراد را بطور مسلم کاهش می‌دهد. در جامعه‌ای که نظم اجتماعی وجود نداشته باشد و نظام اخلاقی دچار فروپاشی شده باشد چه کسی دوست خواهد داشت تا در آن جامعه متعهد به زیستن باشد. مسلم است که بخشی از عوامل فرار نیروهای انسانی افغانستان رابطه به نبود سرمایه اجتماعی در کشور دارد. دوستان این نگارنده قبل از مهاجرت زمانی که در افغانستان بودم بارها بنده را توصیه به مهاجرت می‌کردند. یکی از حرف‌های که می‌زدند این بود که در این کشور (افغانستان) هیچ

¹⁷ Security Council Report: <https://www.securitycouncilreport.org/monthly-forecast/2023-06/afghanistan-21.php>

¹⁸ رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی، محمد جواد زاهدی، ملیحه شیبانی، پروین علی پور، ۱۳۸۸

چیزی وجود ندارد که باعث دلخوشی و ماندن در آن شود. اگر این طرز دید همگانی نباشد بدون شک که یک بخشی زیادی از نخبگان فکری چنین می‌اندیشند. وضعیت زندگی در افغانستان شباحث به تنازع بقا را دارد. در چنین وضعیتی مسلم است که هرکس به فکر زنده ماندن خویش است و مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هرگز تحقق نخواهد یافت.

دوره پنجم: فرار مغزها در دوران طالبان ۲۰۲۱- تا حال:

بعد از سقوط حکومت در آگست ۲۰۲۱ و بدست گرفتن قدرت توسط طالبان هزاران شهروند افغانستان عمداً نخبگان شامل ژورنالیست‌ها، فعالین مدنی، مقامات حکومت، هنرمندان و نیروهای امنیتی سابق از افغانستان تخلیه و یا مهاجرت کرده‌اند. طبق آمار تنها حدود ۷۶ هزار نفر توسط ایالات متحده امریکا از افغانستان تخلیه شده‌اند.^{۱۹} طبق برآورد سازمان بین‌المللی مهاجرت حدود نیم میلیون افغانستانی تا پایان ۲۰۲۱ از افغانستان مهاجر شده‌اند.^{۲۰} حدود ۱۲۳ هزار افغانستانی تنها در کشورهای اروپایی از آگست ۲۰۲۱ تا حال مهاجر شده‌اند.^{۲۱} طبق آمار UNHCR حدود ۲.۷ میلیون شهروند افغانستان از آگست ۲۰۲۱ تا حال به ۹۸ کشور جهان پناهنده شده‌اند که بعد از مهاجرین سوریه و ونزوئلا بزرگترین جمعیت مهاجرین دنیا را تشکیل می‌دهند.^{۲۲}

در این شکی نیست که یک بخشی زیادی از نیروهای متخصص شامل این جمعیت مهاجرین می‌شوند. پیامدهای این مهاجرت گسترده هم در کوتاه مدت و هم در درازمدت خودش را نشان خواهد داد. در حال حاضر حکومت طالبان توسط افراد غیر متخصص عمداً ملاها و شاگردان مدارس دینی کنترل می‌شود. وزارت‌ها و پست‌های تخصصی نیز عمداً توسط افراد طالبان رهبری می‌شود. فرار مغزها در افغانستان پیامدهای گسترده اقتصادی و اجتماعی را بدنبال دارد. اقتصاد افغانستان به شدت روبه و خامت رفته و همان طوری که قبلاً بیان شد یک بخش زیادی از جمعیت افغانستان نیاز به کمک‌های فوری غذایی دارند. در فقدان نیروهای متخصص به نظر می‌رسد اوضاع افغانستان بیشتر از این هم رو به و خامت خواهد رفت.

وضعیت فعلی و چشم انداز مهاجرت معکوس - جمع بندی و نتیجه گیری:

با روی کار آمدن دوباره طالبان، جنگ در افغانستان تا حدی فروکش کرده است ولی تغییرات اساسی در همه ابعاد زندگی مردم کشور بوجود آمده است. فروپاشی نهادهای مدنی، گزارش‌های متعدد نقض حقوق بشری، کشتار و شکنجه نیروهای امنیتی سابق، بند شدن مکاتب و دانشگاه‌ها بروی دختران، بند کردن کار زنان در نهادی دولتی

¹⁹ [Minnesota Department of Human Services](#)

²⁰ [European Parliament: Evacuation of Afghan nationals to EU Member States](#)

²¹ همان

²² [UNHCR](#)

و غیر دولتی، و خیم شدن وضعیت اقتصادی، همه واقعیت‌های فعلی کشور است. از همه مهم تر بن سیاسی که در حکومت وجود دارد چشم انداز سیاسی و اجتماعی زیر سایه حکومت طالبان را ناامید کننده نشان میدهد. اگر طالبان نتوانند یک حکومت همه‌شمولی ایجاد کنند که در آن همه اقوام و گروه‌های اجتماعی و سیاسی زیر سقف آن قرار بگیرد هیچ چشم انداز بعدی برای رشد و پیشرفت در کشور وجود نخواهد داشت. اگر طالبان بتوانند از فرصت بوجود آمده اعتماد در جامعه را از طریق پذیرش انتخابات، جذب نیروهای متخصص در سطوح رهبری نهادهای حکومتی، مدیریت بحران اقتصادی و فقر، و مبارزه با فساد برگردانند فرار مغزها از کشور کاهش خواهد یافت و چشم انداز مهاجرت معکوس نخبگان فکری در کشور تا اندازه ای قابل تصور خواهد بود. ولی اگر طالبان به ادامه سیاست‌های تک بعدی دهه ۱۹۹۰ شان ادامه دهند روند فرار مغزهای از کشور نیز رو به افزایش خواهد بود و در کل بخشی زیادی از مردم افغانستان در جستجوی مهاجرت و فرار از کشور خواهند بود.



منابع

English Source:

1. The phenomenon of brain drain and its consequences for Taliban government, Aryan Purgadiri from the Institute for East Strategic Studies
2. Afghanistan Situation Emergency Update as of 01 May 2023, UNHCR Report
3. Afghanistan Situation Update - 1 May 2023, UNHCR Data Portal
4. Instability in Afghanistan, Global Conflict Tracker
5. Global Conflict Tracker
6. Security Council Report: <https://www.securitycouncilreport.org/monthly-forecast/2023-06/afghanistan-21.php>
7. Minnesota Department of Human Services
8. European Parliament: Evacuation of Afghan nationals to EU Member States

منابع دری:

۱. فرار مغزها از افغانستان، میرحسین ضیایی
۲. بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران) دکتر محمد حسین کریم کشته، دکتر ابوالفضل شاهآبادی، ۱۳۸۵
۳. عوامل اثر گذار بر مهاجرت افغانها به ایران، جانزاده علیرضا، ۱۳۹۶
۴. بررسی علل فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه به کشورهای OECD در قالب مدل جاذبه، حشمت اله عسگری، دکتر مهدی تقوی، دکتر منوچهر عسکری و دکتر عباس شاکری، ۱۳۸۷
۵. فرار مغزها از افغانستان، میرحسین ضیایی، ۱۳۹۶
۶. بررسی عوامل مؤثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران) دکتر محمد حسین کریم کشته، دکتر ابوالفضل شاهآبادی، ۱۳۸۵
۷. عوامل اثر گذار بر مهاجرت افغانها به ایران، جانزاده علیرضا، ۱۳۹۶
۸. علل و ویژگی های مهاجرت اتباع افغانستان به ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بعد از انقلاب اسلامی، محمدی یدالله، خداوردی حسن، کشیشیان گارینه، مطلبی مسعود، ۱۳۹۸
۹. رابطه سرمایه اجتماعی با رفاه اجتماعی، محمد جواد زاهدی، ملیحه شیانی، پروین علی پور، ۱۳۸۸